

به کجا چنین شتابان؟

(تحلیلی پیرامون تحولات اخیر در خاورمیانه)

□ فیروز دولت‌آبادی

(تحلیل‌گر مسائل سیاسی و عضو تحریریه مجله حضور)

الف - مقدمه

همه چیز از یک اتفاق ساده شروع شد. نظیر انقلاب اسلامی در ایران؛ با این تفاوت که سی سال پیش هیچکس در دنیا منتظر انقلاب اسلامی مردم در ایران نبود. اما سی سال است که دنیا منتظر این «بیداری اسلامی» در خاورمیانه است. وقتی جوان ۲۶ ساله تونسی (طارق، طیب، محمد، بوعزیزی) خود را در مقابل ساختمان شهرداری آتش زد، هیچکس نمی‌دانست که از خاکستر این جسد سوخته و بی‌جان چنین آتشی زبانه می‌کشد که هستی نظامهای دیکتاتوری در شمال آفریقا و خاورمیانه را سوزانده و این منطقه را در بحرانی عمیق و سرنوشت ساز فرو خواهد برد. پیش‌گوئی کار انبیاء و اولیا است اما پیش‌بینی کار سیاستمدارانی است که از تعاطی و تقابل منافع مختلف و بعضاً "متضاد بازیگران اصلی یعنی مردم مسلمان و انقلابی این کشورها، اشرافیت تاریخی و وابسته، آمریکا و غرب و بالاخره جمهوری اسلامی ایران - به عنوان یک بازیگر مهم و اصلی در منطقه -؛ نتایج این طوفانها را پیش‌بینی کنند. البته از یک حقیقت روشن نباید غفلت کرد که دنیای پس از شهادت طارق طیب محمد بوعزیزی برای اسلام، مردم مسلمان منطقه و جمهوری اسلامی ایران به مراتب بهتر از گذشته و برای آمریکا، رژیم صهیونیستی و غرب به مراتب بدتر از گذشته خواهد بود.





ب- بازیگران اصلی چه می خواهند؟

ب-۱) مردم: در اینکه مردم مسلمان و انقلابی این کشورها با هدف سرنگونی نظامهای دیکتاتوری وابسته و یا غیر وابسته نظیر (لیبی و تا حدودی یمن) و به دست آوردن آزادیهای سیاسی اصیل (سوریه) به میدان آمده اند شکی نیست. در اینکه راه و روش این حکومتها راه و روش درستی برای اداره کشورشان نیوده است نیز شکی نیست. حتی بر سوریه - که حقیقتاً سی سال است به تنهایی در کنار جمهوری اسلامی ایران ایستاده و در مقابل رژیم صهیونیستی از حقانیت خواسته های خود دفاع کرده و از زمان خیانتهای سادات و مبارک در مصر و شاه حسین و پسرش در اردن و حمله دد منشانه رژیم بعثی صدام به ایران و پشتیبانی قاطبه دولتهای عربی از آنها، علی رغم ضعفهای بنیادین اقتصادی، نظامی و سیاسی، در تمام صحنه های حساس و کلیدی از همراهی با مواضع ج.ا.ایران کوتاهی نکرد و اجازه نداد که جنگ تحمیلی صدام علیه ج.ا.ایران جنگ عرب و عجم نام بگیرد و یا خط مقاومت و جهاد در لبنان و فلسطین تضعیف شود- این انتقاد درست و اصیل باقی است که چرا از طریق چرخش قانونی قدرت و آزادیهای سیاسی

تضمین شده مشی مقاومت را در نهاد جامعه سوری پایدار نموده است. همانطور که در ج.ا.ایران در تمام طول جنگ تحمیلی علی رغم چرخش آزاد و قانونمند دولتها و بالاتر از آن، جابجائی های ناشی از اقدامات تروریستی وسیع، نظیر انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و یا حادثه تروریستی انفجار دفتر نخست وزیری و شهادت هم زمان رئیس جمهور و نخست وزیر و یا عزل اولین رئیس جمهور (بنی صدر) به دلیل عدم کفایت سیاسی و وابستگی اش به بزرگترین شبکه نظامی / امنیتی برانداز در داخل یک کشور در حال جنگ، هرگز خط اصیل مبارزه با صهیونیسم، شیطان بزرگ (امریکا) و جنگ و جهاد در جبهه های نبرد با دشمن بعثی تضعیف نگردید. و در آن سوی جبهه حق و در جبهه باطل، رژیم فاسد، شیطانی و جنگ طلب صهیونیستی را شاهدیم که علی رغم جابجائی دولتها در آن و حتی شکست در دو جنگ اخیر مشی جنایت پیشه و مواضع خود را تغییر نداده است. به هر حال در قیام ناشی از بیداری اسلامی مردم مسلمان این کشورها هدفی جز حاکمیت اسلام؛ خلاصی از استبداد و وابستگی به امریکا وجود ندارد.

ب- (۲) اشرافیت تاریخی و طبقه وابسته: می گویند اشراف اروپا هنوز از حق رای برابری که مردم بدست آورده اند ناراحت می باشند. کماینکه برای دیکتاتورها و طبقه اشراف وابسته واگذاری حق حاکمیت به مردم دشوار تر از مردن است. طبقه وابسته در کشورهای غیر نفت خیز خاورمیانه و شمال افریقا به دلیل سازمان یافتگی بر پایه کمکهای مالی و غیر مالی امریکا در آینده ای نزدیک که مشکلات اقتصادی حادثتر خواهد شد استمرار حیات سیاسی خود را در همبستگی با غرب حفظ و در شکلی جدید خواهان حضور در چرخه قدرت خواهند بود. توجه داشته باشیم که در حال حاضر تمام تلاش امریکا حفظ این ساختار است. مقوله ای که در تونس و مصر توانسته اند در کنار ارتش، این ساختار را برای آینده حفظ کنند.

ب- (۳) امریکا و غرب چه می خواهند: گر چه در اکثر سندهای مربوط به چشم انداز امنیت ملی امریکا از بحرانی بودن منطقه و خطر سرنگونی دولتهای آن سخن رفته، چنین به نظر می رسد که دولت امریکا سی سال است منتظر چنین رخدادهایی می باشد. ولی بحران کنونی چنان ناگهانی آغاز شد که هیچکس انتظار آن را نداشت. به خاطر داشته باشیم که تنها پس از رفتن بن علی از



□ باید یقین داشت که به هر جا عطر خمینی کبیر و راه و رسم انقلاب اسلامی برسد
دنیایی آزادتر پیش روی ما است

تونس بود که مشخص گردید روزهایی است که طوفانی در تونس برخاسته و یا تغییرات پی در پی
مواضع امریکائی ها در روزهای نخست چنان بود که گوئی از خوابی چند ساله بیدار شده اند. لکن
امریکائی ها به واقع دو نکته را می دانستند. اول آنکه بدنام تر از آنند که در این طوفان عظیم
بتوانند در کنار دیکتاتورها بمانند و دوم آنکه ضعیفتر از آن می باشند که در مقابل این موج
بایستند. لذا آنچه قطعی است برنامه کنونی امریکا مدیریت بحران برای به دست آوردن زمان می
باشد تا در پرتو آن:

اولاً ساختار جدیدی را فراهم آورد که دیکتاتوری های وابسته را با دمکراسی های وابسته
جا به جا کند.

ثانیاً با یک جنگ صلیبی کم ریسک اما پر هیاهو با دیکتاتور غیر وابسته ای نظیر قذافی فعلاً
خطر و بحران را از سر کشورهایی نظیر عربستان، بحرین و اردن دور کند.

زمان کیمیائی است که در امریکا می خواهند با بدست آوردن آن هم اشتباهات استراتژیک
خود را در اشغال عراق و افغانستان جبران کنند و هم با حمایت ظاهری از بخشی از مردم منطقه در
مصر و لیبی فرایند گذر را به گونه ای مدیریت کنند که از بیداری اسلامی کنونی یک دمکراسی
وابسته بوجود آورند تا امنیت رژیم صهیونیستی را - که ماشین نظامی اش پس از دو شکست خفت
بار از حزب الله و حماس دیگر توان جنگ و حفظ امنیت آن را ندارد- تضمین کنند و بالاتر از همه
از بسط و توسعه نفوذ ج.ا.ایران جلوگیری نمایند.

ب- (۴) انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران کجای این معما هستند: چه امریکایی ها
بخواهند چه نخواهند، چه جریانات غربگرا بخواهند چه نخواهند، چه برخی افراد و گروهها

ج.ا.ایران را الگو بدانند یا ندانند این حقیقت که انقلاب اسلامی ایران در بطن این تحولات حاضر و جزء مهم و اصلی آرمان مردم مسلمان این کشورهاست تردید ناپذیر است. اما در خصوص جمهوری اسلامی ایران باید حقیقت را پذیرفت که به دلیل ضعف عمیق دستگاه دیپلماسی در حال حاضر و مشکلات سیاسی داخلی دو سال اخیر که با غلبه اولویت موضوعات داخلی نسبت به مسایل خارجی در این اواخر همراه گردیده تمرکز و کارآمدی لازم را بر روی این تحولات و آینده سرنوشت ساز آن ندارد. البته این نظریه که این انقلابها به دنبال مدل ج.ا.ایران به عنوان یک روش حکومت نیستند، اگر حقیقت هم داشته باشد فاقد اهمیت استراتژیک است زیرا این نظریه پردازان توجه ندارند که ج.ا.ایران تنها یک مدل و روش اداره کشور بر پایه اسلام است و ما می توانیم اشکال دیگری از جمهوری اسلامی یا حکومت اسلامی را در دیگر کشورهای مسلمان داشته باشیم که بر پایه و محتوای اسلام آن کشورها را اداره کند. مگر شکل حکومت در فرانسه، انگلستان، سوئیس، کانادا، آمریکا، سوئد و ... یکسان و یک شکل است که نپذیرفتن نظام ج.ا. یک نقطه ضعف برای ج.ا.ایران تلقی گردد؟ به هر حال آینده هر چه باشد و ج.ا.ایران هر قدر نیز ضعیف در این تحولات ظاهر شود یک حقیقت غیر قابل تردید است که دنیای پس از شهادت طارق طیب محمد بوعزیزی برای اسلام، مردم مسلمان منطقه و جمهوری اسلامی ایران به مراتب بهتر از گذشته و برای آمریکا، رژیم صهیونیستی و غرب به مراتب بدتر از گذشته خواهد بود. زیرا هنوز گرد و غبار این قیامها به همه جا نرسیده اولین شکوفه آن با وحدت حماس و دولت خود گردان به دست آمد. دریچه ای که با تحولات اخیر در مصر بر روی حماس و فلسطین گشوده شد حاکی از حقانیت خط مقاومت (سوریه و لبنان) است که تحت تاثیر انقلاب اسلامی و با حمایت‌های بیدریغ ج.ا.ایران بزرگترین دستاوردهای یک قرن اخیر را برای مسلمانان مظلوم فلسطین و کشورهای عضو جبهه مقاومت با پیروزی حزب الله در لبنان و حماس در غزه به ارمغان آورده است. باید یقین داشت که به هر جا عطر خمینی کبیر و راه و رسم انقلاب اسلامی برسد دنیایی آزادتر پیش روی ما است.

